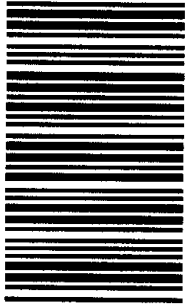


741

F



741F

نام
نام خانوادگی
محل امضاء



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.
امام خمینی (ره)

آزمون دانش‌پذیری دوره‌های فراگیر «کارشناسی ارشد» دانشگاه پیام نور

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی - ادبیات مقاومت (کد ۱۳۹)

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	تحقیق در متون نظم ادبیات مقاومت ایران	۲۰	۱	۲۰
۲	تحقیق در متون نثر ادبیات مقاومت ایران	۲۰	۲۱	۴۰
۳	صرف و نحو عربی	۲۰	۴۱	۶۰
۴	زبان تخصصی	۳۰	۶۱	۹۰

آذر ماه سال ۱۳۹۲

نمره منفی ندارد.
استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

- ۱- معنی واژه‌های: غرم، خویید، شبه، ذرچ، در کدام گزینه درست است؟
 (۱) آهو، غله‌ی نارس، مانند شب، جعبه‌ جواهر
 (۲) بزکوهی، علف هرز، سنگ برآق، صندوق
 (۳) بزکوهی، علف هرز، سنگ برآق، صندوق
 (۴) میش کوهی، علف نورسته، سنگی سیاه، پیرایه‌دان
- ۲- با توجه به جهات پنج‌گانه‌ی لشکر، واژه‌های همه‌ گزین‌ها به استثنای تناسب معنایی دارند.
 (۱) میسره، قلب (۲) میمنه، ساقه
 (۳) واسطه، میسره (۴) قلب، ساقه
- ۳- با توجه به ابیات زیر، کدام گزینه نادرست است؟
 «چنان ساخت روشن جهان آفرین
 در آن تیرگی رستم او را بدید
 (۱) وجه همه‌ افعال متعدی است.
 (۲) «روشن» صفت جهان آفرین است.
 (۳) سه ترکیب وصفی در ابیات وجود دارد.
 (۴) «روشن» و «سبک» نقش قیدی دارند.
- ۴- نقش واژه‌های مشخص شده در ابیات زیر، کدام است؟
 «چنین تا به دیوان رسد آگهی
 کمر بست و رفت از در شاه گویو
 (۱) نهاد، مفعول، مفعول، نهاد، مضاف‌الیه
 (۲) قید، مفعول، مفعول، نهاد، وصفی
 (۳) قید، مفعول، مفعول، نهاد، وصفی
 (۴) مفعول، مفعول، مفعول، نهاد، مضاف‌الیه
- ۵- کدام بیت ذوق‌افین‌ترین است؟
 (۱) چون از جایگه بگسلد پای خویش
 (۲) پریشان بگردم دو صدسال پیش
 (۳) به دست خردمند مرد نژاد
 (۴) همیشه نیاساید از جست و جوی
- ۶- در کدام بیت، هر دو استعاره مصرحه و بالکنایه وجود دارد؟
 (۱) اگر پیسال با پشه کین آورد
 (۲) در آزمندی است اندوه و رنج
 (۳) هر آن کس که خشم سنان تودید
 (۴) همه ساله خندان لب جویبار
- ۷- در تمامی ابیات به استثنای بیت آرایه‌ی اغراق به کار رفته است.
 (۱) دلش زان شگفتی به دو نیم شد
 (۲) جهان گفتی از تیغ و از جوشن است
 (۳) ز خون خاک گل گشت و هامون چو کوه
 (۴) یکی کوه بودش سراندر سحاب
- ۸- در بیت زیر، کدام واژه مجاز است؟
 «که زنده شد از تو دل تنگ من
 و گرنه به نردم رسیدی کفن»
 (۱) دل (۲) تنگ (۳) کفن (۴) نرد
- ۹- در همه‌ ابیات به جز بیت ویژگی زبانی سبک خراسانی به کار رفته است.
 (۱) به هشتم در گنج‌ها کرد باز
 (۲) بشد هوش از آن مرد زورآزمای
 (۳) چو چشم تهمتن به ایشان رسید
 (۴) ز زینش جدا کرد و برداشتش

- ۱۰- با توجه به ویژگی‌های چهارگانه شاهنامه، کدام بیت با ویژگی مقابل خود هماهنگی ندارد؟
- (۱) به قلسب اندرون قارن رزم زن
(۲) به پیش اندرون کاویانی درفش
(۳) سپاهی و شهری مرا یکسر است
(۴) وز آن پس بدو گفت فرخ قباد
- جها ن زوشده سرخ وزرد و بنفش (ملی، میهنی)
همه پادشاهی مرا لشکر است (داستانی)
که بی زال تخت بزرگی مباد (خرق عادت)
- ۱۱- در کدام بیت خرق عادت به کار نرفته است؟
- (۱) بیفگند گوری چو پیل ژیان
(۲) نباید که ارزنگ و دیو سپید
(۳) ز دیوان به پیش اندرش سنجه بود
(۴) که شاه جهان در دم اژدهاست
- جدا کردش از چرم تن تا میان
به جان از تو دارند هرگز امید
که جان و تنش زان سخن رنجه بود
بر ایرانیان بر چه مایه بلاست
- ۱۲- معنی درست بیت زیر، کدام است؟
- «تو را جنگ ایران چو بازی نمود
ز بازی سپه را درازی نمود»
- (۱) جنگ با ایران را مانند بازی تصور کردی و این بازی سپاه را درمانده کرد.
(۲) جنگ ایرانیان در نظر تو بی ارزش بود و عمر سپاه در این جنگ تلف شد.
(۳) تو جنگ با ایرانیان را سبک شمردی و از این روی، آن نبرد به درازا کشید.
(۴) وقتی جنگ ایران را به بازی گرفتی، سپاه به این برنامه اعتراض کردند و روی گردان شدند.
- ۱۳- در کدام بیت شاه ایران قرار داد صلح و آشتی با تورانیان بست؟
- (۱) به نوی یکی باز پیمان نوشت
(۲) تورا آشتی بهتر آید ز جنگ
(۳) ز کردار بدگر بشیمان شدی
(۴) ز زاولستان تا به دریای سند
- به باغ بزرگی درختی بکشت
فراخی مکن بر دل خویش تنگ
به نوی ز سر باز پیمان شدی
نشستیم عهدی تو را بر پرند
- ۱۴- «چنان بد که ابلیس روزی بگاه
نشستند و بر دل گرفتند یاد
همه با هم تصمیم گرفتند
هر چه می‌دانستند به خاطر سپردند»
- یکی انجمن کرد پنهان ز شاه
کس از بیم کاووس پاسخ نداد،
(۲) هر چه در دل بود آشکار نکردند
(۴) از ترس هیچ چیزی را به یاد نمی‌آوردند
- ۱۵- از کدام بیت مفهوم «تسلیم در برابر پروردگار» استنباط می‌شود؟
- (۱) به جایی که تنگ اندر آمد سخن
(۲) که گر چرخ گوید مرا کاین نیوش
(۳) جهان آفرین بی نیاز است از این
(۴) همه پیش فرمانش بیچاره‌اند
- پناهت به جز پاک یزدان مکن
به گرز گرانس بمالم دو گوش
ز بهر تو باید سپهر و زمین
که با شورش و جنگ و پتیاره‌اند
- ۱۶- واژه‌ی «هیچ» در کدام بیت معنای متفاوتی با سایر ابیات دارد؟
- (۱) اگر هیچ سرخاری از آمدن
(۲) گر آخر بدین بارگاه مهی
(۳) گر آرد ملک هیچ بخشایشی
(۴) اگر هیچ خوی بد آرد پدید
- سپهبد همی زود خواهد شدن
نیامد ز بهرام هیچ آگهی
رساند بدین کشور آسایشی
بسان پدر سـر باید برید

- ۱۷- واژه‌ی «اگر، گر» در کدام بیت کاربرد معنایی متفاوتی دارد؟
- (۱) بیاراست خود را به سان بهار
(۲) نشاید بدین کار آهرمنی
(۳) نشاید کزین بس چمیم و جریم
(۴) همیشه به جنگ نهنگ اندر است
- و گر چسند زیبا نبودش نگار
کسه آرام جویی اگر دم زنی
و گسر خویشتن تاج را پروریم
و گر با پلنگان به جنگ اندر است
بیت: «از امروز کاری به فردا ممان
که داند که فردا چه گردد زمان»
- ۱۸- با همهی ابیات به استثنای بیت تناسب مفهومی دارد.
- (۱) ای بی خیر دل از دو جهان برخدای بند
(۲) دمی خوش باش غوغا را که دیده‌است
(۳) فردا کسه بر من و تو وزد باد مهرگان
(۴) کار امروز تو چو ساخته نیست
- امروز تخم کار که فردا مجال نیست
بخور امروز فردا را که دیده‌است؟
آن‌گه شود پدید که نامرد و مرد کیست
کار فردا چگونه خواهی ساخت
- ۱۹- در همه‌ی ابیات به استثنای بیت عبارت کنایی به کار رفته است.
- (۱) چو آمد به نزدیک شاه اندرون
(۲) چون آن نامه‌ی شاه یکسر بخواند
(۳) همی گفت با من که جوید نبرد؟
(۴) سزاور هر کس بفرمود گنج
- دل کینه دارش پر از جوش خون
دو دیده به خون دل اندر نشاند
جز آن، کو برانگیزد از آب گرد
به ویژه کسی کش فزون بود رنج
- ۲۰- با توجه به عبارت: «کیقباد صد سال شادان زیست» ... کدام گزینه به ترتیب، در جای خالی قرار می‌گیرد؟
- «پسر بد مر او را خردمند چار
نخستین چو با آفرین
چهارم کجا بود نام
- که بودند از او در جهان یادگار
..... دگر بد دگر کس پشین
سپردند گیتی به آرام و کام»
- (۱) کاووس، سیاوش، طوس یل
(۲) کاووس، کی آرش، اشکش
(۳) گودرز، سیاوش، اشکش
(۴) گرگین، کی آرش، طوس یل

تحقیق در متون نثر ادبیات مقاومت ایران

- ۲۱- معنی واژه‌های: استبرق، اُهبت، مُنضم، ذمیمه، تحریض در کدام گزینه درست است؟
- (۱) ابریشم، اسباب، جنگ، ملحق، مسئولیت، تحریک
(۲) پارچه‌ی کتانی، بزرگی، مضمون، تعهد، برانگیختن
(۳) پارچه‌ی نرم، شکوه، ضمیمه، نکوهیده، دوری جستن
(۴) دیبای زربفت، ساز و یراق، پیوسته، زشت، تشویق
- ۲۲- در کدام گزینه معنی بعضی واژه‌ها نادرست است؟
- (۱) (اروغ: خاندان) (سرآ: شادی) (رقبه: گردن) (بأس: سختی)
(۲) (اقتحام: بی‌باکی) (مباینت: جدایی) (احتمال: پذیرفتن) (ضرآ: سختی)
(۳) (کفاح: جنگ و کشتار) (قطمیر: پوست ضخیم) (سَریه: کنیز) (عتاد: سرکشی)
(۴) (زفیر: بانگ و ناله) (ضَبع: کفتار) (مهزول: لاغر) (حصر: شمردن)
- ۲۳- در متن زیر، املاي کدام واژه نادرست است؟
- «جلال‌الدین می‌گفت: اگر سلطان را بر اقدام و مبارزت و اقتحام و مناجزت رای قرار نمی‌گیرد، و بر عزیمت فرار اصرار دارد، کار لشکر جرأر به من بازگذارد تا روی به دفع حوادث و تدارک خطوب روزگار عابت آریم. پدر جواب می‌داد که نظام و قوام کارها و خلل و ضلل امور را مقداری مبین تا چنان که در ازل الازال مقدور است و در صفحه‌ی قضا و قدر مسطور، به نهایت نکشد.»
- (۱) اقتحام (۲) ضلل (۳) عابت (۴) مسطور

- ۲۴- در متن زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟
 «از جانبین کمان و تیر معزول شد و کارد و شمشیر مسلول؛ آواز تکبیر از صف سلطان و اضعیف مزمار و سفیر از قبل آن شیطان؛ قنم چون غمام انگیخته شد و سیوف چون برق آهخته. چون از معبر بگذشت و به بخارا رسید، ارباب آن به آثار عدل شامل وجود فایض او مغمور شدند و عراض آن به آوازه انصاف وافر او مأمور.»
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
- ۲۵- اولین کسی بود که مقامه‌نویسی را به عنوان نوع ادبی خاص در ادب معرفی کرد.
 (۱) بدیع همدانی، فارسی (۲) بدیع‌الزمان همدانی، عرب (۳) سعدی، فارسی (۴) قاضی حمیدالدین بلخی، عرب
- ۲۶- نام اثر و سراینده‌ی کدام بیت در مقابل آن نادرست است؟
 (۱) چون صبح ولای حق دمیدن گیرد جان در تن زندگان پریدن گیرد (دیوان شمس، مولوی)
 (۲) درفش کاویانی بر سر شاه چو لختی ابر گفتی بر سر ماه (خسروشیرین، نظامی)
 (۳) در جهان آنچ رفت و آنچ آید و آن چه هست آن چنان همی باید (حدیقه، سنایی)
 (۴) هر آن کو مهیا بود دولتی را اگر او نجوید بجویدش دولت (بوستان، سعدی)
- ۲۷- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟
 «ایها العشاق باز آن دلستان آمد پدید»
 (۱) قید، قید، مفعول، نهاد (۲) قید، مسند، نهاد، مضاف الیه
 (۳) قید، مسند، مفعول، مضاف الیه (۴) وصفی، مسند، مفعول، نهاد
- ۲۸- در ابیات زیر به ترتیب چند ترکیب وصفی و اضافی یافت می‌شود؟
 «گه چهره تو شعله ماه تمام داد گه طره تو نفعه باد شمال داد
 بنگر بدین طلسم که شب را به مشک ناب آمیختند و زلف تو را مشک و خال داد»
 (۱) سه، پنج (۲) سه، شش (۳) چهار، پنج (۴) چهار، شش
- ۲۹- آرایه‌های مقابل همه ابیات به جز بیت تماماً درست است.
 (۱) سپهداران غلم بالا کشیدند دلیران رخت بر صحرا کشیدند (موازنه، مجاز)
 (۲) خروش کوس و بانگ نای برخاست زمین چون آسمان از جای برخاست (اغراق، جناس)
 (۳) بر آب تکیه مکن ورنه بیهده چو حباب بر آب نقش‌نگاری و باد پیمایی (کنایه، تشبیه)
 (۴) رویت به حسن عالم جان را کمال داد عشقت به لطف چهره‌ی دل را جمال داد (استعاره، تشخیص)
- ۳۰- در متن: «روز دیگر که شمشیرزنان صباح فرق شب را بشکافند، خلاق را از مرد و زن به صحرا راندند. مغولان دندان انتقام تیز کرده و دهان حرص گشاده که بار دیگر دستی بز نیم و خلاق را حطب تنور بلا سازیم. فضل ربانی و لطف یزدانی عاقبت فتنه را به دست شفقت محمود چون نامش محمود گردانید.» کدام آرایه‌های ادبی یافت می‌شود؟
 (۱) استعاره، اغراق، تناقض، ایهام (۲) ایهام، تشبیه، جناس تام، مجاز
 (۳) تناقض، اغراق، مجاز، کنایه (۴) کنایه، استعاره، تشبیه، جناس تام
- ۳۱- در عبارت: «هم در روز حرکت کبشی کوهی در میانه راه پیش آمد. جوانان جویای نام در حال آن را به تیر زدند. پادشاه آن را به فال نیک گرفت و دانست که کبش نطاح در تنور بلا قربان خواهد شد و کیش حسن صبح بی قربان.» کدام واژه ایهام تناسب دارد؟
 (۱) تنور (۲) کیش (۳) قربان (۴) بی قربان

- ۳۲- معنی کدام عبارت در مقابل آن درست نیست؟
 (۱) سگان سمرقند به مکان سلطان مستظهر گشتند (ساکنان سمرقند به حضور سلطان دل‌گرم و قوی‌دل شدند)
 (۲) ارباب ماوراءالنهر مکتوبات به خدمت سلطان متواتر داشتند تا عزیمت بدان طرف مستخلص گرداند. (به سلطان نامه نوشتند تا هدف خود را مخصوص رهایی آن ناحیه کند)
 (۳) سلطان فرمود تا پل را فرا آب دادند تا لشکر دل در آب گذارند و تر دامنی نکنند (سلطان فرمود آب را از زیر پل روانه کنند تا سپاه آلودگی‌ها را با آب پاک کنند)
 (۴) صاحب اترار دانست که بغات الطیور را با مخالب صقور تپانچه زدن محال است (صاحب اترار دانست که لاشخور نمی‌تواند با جنگال‌های مرغ شکاری مقابله کند)
- ۳۳- بیت: «کفر و اسلام در رهش بویان و حده لاشریک له گویان»
 با همهی عبارات به استثنای تناسب مفهومی دارد.
 (۱) غفاری که نسیم لطفش ماده بقای هر دوستار و جلاد عنفش تیغ ابدار تاتار گشت.
 (۲) احدی که مقتصدان اودیة هدی و مقتبسان بادیه هوی را مطلوب اوست.
 (۳) صمدی که عشقان حقیقت و فاسقان صورت پرست را محبوب اوست.
 (۴) رزّاقی که از راه ربوبیت بر مائده کرمش موحد و ملحد یکسان است.
- ۳۴- عبارت: «ندامت و بر فوت ایام تحصیل مریح نیست حسرت و تأسف بر اعوام تعطیل منجیح نه» با کدام گزینه تناسب معنایی دارد؟
 (۱) پشیمانی برای به دست آوردن ایام گذشته سودی ندارد و افراد رستگار بر گذشت عمر تأسف نمی‌خورند.
 (۲) از دست دادن ایام دانش‌اندوزی جز پشیمانی حاصلی ندارد و حسرت بر روزهای بیهودگی موفقیت نمی‌آورد.
 (۳) جز حسرت و تأسف از پشیمانی حاصلی به دست نمی‌آوردی و راه نجات از بیهودگی عدم پشیمانی است.
 (۴) اظهار پشیمانی برای از دست دادن فرصت علم‌اندوزی مفید نیست و تأسف بر سال‌های بیهودگی نجات‌بخش نمی‌باشد.
- ۳۵- مفهوم بیت زیر در همهی ابیات به استثنای بیت یافت می‌شود.
 «و عین الرضا عن کلّ عیب کلیةً و لکنّ عین السخط تبدی المساویا»
 (۱) چشم بدان‌دیش که بر کنده باد
 (۲) چشم رضا بیوشد هر عیب را که دید
 (۳) میان عیب و هنر پیش دوستان کریم
 (۴) گر هنری داری و هفتاد عیب
 مفهوم کنایی همهی عبارات به استثنای یکسان است.
- ۳۶- (۱) ابنای زین و رخس را بنات‌النعمش گردانند.
 (۲) روز مصاف را شب زفاف پندارند.
 (۳) زخم رماح را لثم ملاح شناسند.
 (۴) حدود بیض را با حدود بیض مضاف کنند.
- ۳۷- در بیت: «چنین است کردار چرخ بلند
 کلاه به دست گرفتن و کمند به دست گرفتن به ترتیب کنایه از چیست؟
 (۱) پادشاهی کردن، مبارزه کردن
 (۲) فرار کردن، حمله کردن
 (۳) قدرت یافتن، مقاومت کردن
 (۴) شکست خوردن و تسلیم شدن، جنگیدن و پیروز شدن
- ۳۸- مفهوم کلی بیت زیر در کدام گزینه وجود ندارد؟
 «علی رأس عبدٍ ناجٍ عزّ یزینه و فی رجلٍ حرّ قیدٌ ذلّ یشینه»
 (۱) هر داهی قرین هر داهیه و هر محدثی رهین حادثه
 (۲) کریم فاضل تافته‌ی دام محنت و لئیم جاهل یافته‌ی کام نعمت
 (۳) ضرت وضع را از لطف طبع پندارند و مشامتت و سفاهت را از نتایج خاطر بی‌خطر شناسند.
 (۴) هر یک از ابناء السوق درزی اهل فسوق امیری گشته و هر جمالی از کثرت مال با جمالی

۳۹-

بیت: «وَطَعِمَ الْمَوْتِ فِي أَمْرِ حَقِيرٍ كَطَعِمَ الْمَوْتِ فِي أَمْرِ عَظِيمٍ»

با همه‌ی ابیات به استثنای بیت ارتباط معنایی دارد.

- | | |
|----------------------------------|-------------------------------|
| (۱) همه مرگ راثیم پیر و جوان | به گیتی نماند کسی جاودان |
| (۲) یکی جامه‌ی زندگانی است تن | که جان داردش پوشش خویشتن |
| (۳) دیگران رفتند و ما هم می‌رویم | کیست کاو را منزلی در پیش نیست |
| (۴) هر که آمد هر که آید بگذرد | این جهان محنت سرایی بیش نیست |

۴۰-

واژه‌ی «مگر» در کدام بیت کاربرد معنایی متفاوتی با دیگر ابیات دارد؟

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------|
| (۱) مگر بخت رخشنده بیدار نیست | وگر نه چنین کار دشوار نیست |
| (۲) مگر بویی از عشق مستت کند | طلبکار عهدِ آسست کند |
| (۳) مگر دشمن است این که آمد به جنگ | زدورش بدوزم به تیر خدنگ |
| (۴) مگر پیش دشمن بگویند و دوست | که این کشته‌ی دست و شمشیر اوست |

صرف و نحو عربی

■ ■ عین الصحیح فی الإعراب و التحلیل الصرفی (۴۱ - ۴۶)

۴۱-

﴿ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ﴾:

(۱) ما: اسم غیر متصرف - من أدوات الاستفهام - نكرة - مبني على السكون / مستثنى متصل و منصوب تقديرًا

(۲) سبحان: اسم - مفرد مذکر - مشتق و صفة مشبهة - صحيح الآخر - ممنوع من الصرف / مفعول مطلق و منصوب

(۳) علم: اسم - مفرد مذکر - جامد - نكرة / اسم «لا» النافية للجنس و مبني على الفتح ببناء عرضي و منصوب محلاً

(۴) علمت: ماضٍ - للمخاطب - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - صحيح و سالم / فعل و فاعله ضمير التاء البارز، والجملة فعلية و صلة و عائدها ضمير «نا»

۴۲-

﴿ أَقْبَحُ الظُّلْمِ مَنْعُكَ حَقُوقَ اللَّهِ! ﴾:

(۱) الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذکر - معرفة (علم) - معرب - صحيح الآخر / مضاف إليه و مجرور

(۲) أقبح: مفرد مذکر - مشتق و صفة مشبهة (مصدره: قبح) - معرب - صحيح الآخر - ممنوع من الصرف / مبتدأ و مرفوع، والجملة اسمية

(۳) منع: اسم - جامد و مصدر - معرف بالإضافة - معرب - صحيح الآخر - منصرف / خبر مفرد و مرفوع، و هو شبه فعل و فاعله الضمير المستتر

(۴) حقوق: مفرد مذکر - جامد - معرف بالإضافة - معرب - صحيح الآخر - ممنوع من الصرف / مفعول به و منصوب لشبه فعل «منع» و فاعله ضمير الكاف

- ٤٣ - « عجبت للبخيل يستعجل الفقر الذي منه هرب و يفوته الغنى الذي إياه طلب! »:
- (١) الذي: موصول خاصّ أو مختصّ - للمفرد المذكر - معرفة - مبني على السكون / مضاف إليه و مجرور محلاً
- (٢) الفقر: اسم - مفرد مذكر - مشتق وصفة مشبهة - معرّف بأل - معرب - منصرف / مفعول به و منصوب
- (٣) يفوت: للغائب - معتل و أجوف (إعلاله بالإسكان بنقل الحركة) / فعل مرفوع و فاعله ضمير «هو» المستتر فيه جوازاً
- (٤) إياه: ضمير منفصل منصوب - للغائب - معرفة - مبني على الضمّ / مفعول به مقدّم وجوباً لفعل «طلب» و منصوب محلاً
- ٤٤ - « بني عمنا؛ هل تذكرون بلاءنا عليكم، إذا ما كان يوم قماطر! »:
- (١) بلاء: مفرد مؤنث - معرّف بالإضافة - معرب - ممدود - ممنوع من الصرف / مفعول به و منصوب
- (٢) إذا: اسم غير متصرف - من الأسماء الملازمة للإضافة - معرب / ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان و منصوب بالألف
- (٣) تذكرون: مضارع - للمخاطبين - مجرد ثلاثي - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل مرفوع بثبوت نون الإعراب، و فاعله ضمير الواو البارز
- (٤) بني: جمع سالم للمذكر بالإلحاق - جامد - معرّف بالإضافة - معرب - منقوص / منادى مضاف و منصوب تقديرًا، و حرف النداء محذوف جوازاً
- ٤٥ - « لا تفرحنّ بليل طاب أوله فربّ آخر ليل أجج النار! »:
- (١) تفرحنّ: للمخاطب - مجرد ثلاثي - مبني على الفتح بسبب وجود نون التوكيد - لازم - مبني للمعلوم / فعل مجزوم محلاً، و فاعله ضمير أنت المستتر وجوباً
- (٢) طاب: ماضٍ - للغائب - مجرد ثلاثي - معتل و أجوف (إعلاله بالقلب) / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر و الجملة فعلية و نعت و مجرور محلاً بالتبعية
- (٣) أجج: ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - صحيح و مضاعف (وكذلك مهموز الفاء) / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر جوازاً
- (٤) النار: اسم - مفرد مؤنث (معنوي و مجازي) - جامد - معرّف بأل - معرب - مقصور - منصرف / مفعول به و منصوب بالألف

- ٤٦ - « دعوى الإخاء على الرِّخاء كثيرة بل في الشَّدائد تُعرف الإخوان! »:
- (١) تعرف: للغائبة - مجرد ثلاثي - متعدّد - مبني للمجهول - معرب / فعل مرفوع و نائب فاعله «الإخوان» والجملة فعلية
- (٢) دعوى: مفرد مذكّر - مشتق وصفة مشبهة - معرف بالإضافة - مقصور - ممنوع من الصرف / مبتدأ و مرفوع تقديرًا، والجملة اسمية
- (٣) كثيرة: اسم - مفرد مؤنث - مشتق وصفة مشبهة (مصدره: كثرة) - نكرة - معرب - صحيح الآخر - منصرف / نعت و مرفوع بالتبعية
- (٤) الشَّدائد: جمع تكسير (مفردة: شديدة، مؤنث) - مشتق وصفة مشبهة (مصدره: شدة) - ممنوع من الصرف/ مجرور بالفتح، بحرف الجر؛ جار و مجرور
- ■ عَيْن الصحيح في التشكيل (٤٧ - ٤٨)
- ٤٧ - « إذا أكرمت اللّئيم بعض الإكرام ظن أنك في احتياج إليه، فأعرض عنه كل الإعراض! »:
- (١) أَكْرَمْتَ - بَعْضَ - الإِكْرَامِ - ظَنَّ (٢) اللّئيمَ - ظَنَّ - أَنْكَ - إحتياج
- (٣) الإِكْرَامِ - ظَنَّ - إِنَّكَ - الإِعْرَاضِ (٤) بَعْضِ - إحتياج - أَعْرِضْ - كُلاً
- ٤٨ - «يا راقد الليل مسروراً بأوله ان الحوادث قد يطرقن أسحاراً! »:
- (١) اللّيلِ - أوَّلَ - الحَوَادِثِ - يَطْرُقْنَ (٢) أوَّلَ - الحَوَادِثِ - يَطْرُقْنَ - أسْحَاراً
- (٣) رَاقِدَ - اللّيلِ - مَسْروراً - إنَّ (٤) مَسْروراً - أنْ - يَطْرُقْنَ - أسْحَاراً
- ■ عَيْن المناسب في الجواب عن الأسئلة التالية (٤٩ - ٦٠)
- ٤٩ - « الأخوان اللذان يدعيان الإخاء ، سيُعرفان في الشَّدائد! ». عين الكلمات التي تعربان بعلامة الإعراب الفرعية:
- (١) الأخوان - الإخاء - يعرفان - الشَّدائد (٢) اللذان - يدعيان - الإخاء - يعرفان
- (٣) الأخوان - يدعيان - يعرفان - الشَّدائد (٤) الأخوان - اللذان - يدعيان - يعرفان
- ٥٠ - عَيْن الفعل يدلّ على معنى المطاوعة:
- (١) إنَّ الإنسان يُفْرَحُه زوال الحرج! (٢) من وضعته الدنيا أتضع!
- (٣) إتصل بصديقك و لو إنك كاتبته! (٤) لما أمسينا أبصرنا!
- ٥١ - « متى ما تلقى ما تهوى دع الدنيا و أهملها! ». عَيْن الصحيح للصيغ المختلفة:
- (١) متى ما تلقين ما تهوين، دعوا الدنيا و أهملنها! (٢) متى ما تلقون ما تهوين ، دعون الدنيا و أهملوها!
- (٣) متى ما تلقيا ما تهويان دعوا الدنيا و أهملناها! (٤) متى ما تلقيا ما تهوين دعيا الدنيا و أهملها!
- ٥٢ - عَيْن ما يمتنع فيه الإدغام!:
- (١) طوبى للطفّل فيسرّه لعب و ينسى كلّ ما أحزنه!
- (٢) لا تمدّا يديكما عندكّل شخص، فقد يسبّب لكما الذلّة!
- (٣) لا تشفقن على أنفسكن في ما لم يجعل الله لكنّ منعا!
- (٤) عليك أن تشخّ نفسك عمّالا يحلّ لها و امتلاك الهوى!

- ٥٣- **عَيْنُ الصَّحِيحِ** (عن الفاعل و عامله والخبر):
 (١) تَفَنَّى الدُّنْيَا و أَهْلِهَا و بَاقِيَ عَمَلِ الْإِنْسَانِ أَثْرَهُ! (٢) يَفَنَّى أَهْلَ الدُّنْيَا و الدُّنْيَا و أَثَارَ أَعْمَالِ الْإِنْسَانِ بَاقِيَ!
 (٣) الدُّنْيَا يَفَنَّى و أَهْلِهَا و أَثَرَ عَمَلِ الْإِنْسَانِ بَاقِيَ! (٤) تَفَنَّى الدُّنْيَا و أَهْلِهَا و أَثَارَاتِ أَعْمَالِ الْإِنْسَانِ بَاقِيَةً!
- ٥٤- **عَيْنُ الْمَبْتَدَأِ مُصَدَّرًا غَيْرَ صَرِيحٍ:**
 (١) أَنْ تَتَفَكَّرُوا سَاعَةً بِتَعَمُّقٍ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَسْهَرُوا لِيَالِي!
 (٢) إِنْ سَأَلْتُمْ مَا فِي وَسْعِكِ إِجَابَتُهُ فَلَا تَمْنَعُهُ عَنِ السَّأَلِ!
 (٣) لَوْ كَانَ الْإِنْسَانُ ذَاهِمَةً عَالِيَةً يَصِلُ إِلَى مَطْلُوبِهِ!
 (٤) الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ مِنْ أَحْسَنِ مِيزَاتِ الْمُسْلِمِ!
- ٥٥- **عَيْنُ الْفَاءِ لَيْسَتْ سَبَبِيَّةً:**
 (١) لَوْلَا تَأْتِينَا فَتَنْكَلِمُ مَعَكُمْ!
 (٢) مَا زِلْنَا نُرَاكَ فَفَرِحَ بِزِيَارَتِكَ!
 (٣) يَا لَيْتَكَ كُنْتَ عِنْدَنَا فَنَدْرُسُ مَعًا!
 (٤) الْبَسْ مَلَابِسَ مَنَاسِبَةً فَتَنْصَحْ!
- ٥٦- **عَيْنُ الْحَالِ الْجَامِدَةُ مُؤَوَّلَةٌ إِلَى الْمُشْتَقِّ:**
 (١) اشْتَرَيْتِ الْكِرَاسِيَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهَا بِخَمْسَةِ آلَافِ تُوْمَانٍ!
 (٢) سَرْتُ يَوْمَ أَمَسَ فِي شَاطِئِ الْبَحْرِ فَفَقَدْتُ خَاتَمِي ذَهَبًا!
 (٣) بَعْدَ أَنْ انْتَهَيْتِ مِنْ امْتِحَانَاتِي خَطَرَ بِيَالِي أَنْ أَصْنَعَ حَقِيبةً قَمَاشًا!
 (٤) لَقَدْ آنَ الْعَامَ الدِّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ أَرْبَعَةَ أَسَابِيعٍ وَلَكِنْ الطَّلِبَةُ لَمْ يَحْضُرُوا بَعْدًا!
- ٥٧- **عَيْنُ «كُلِّ» مَنْصُوبًا:**
 (١) كُلٌّ يَرْجِعُ إِلَى أَصْلِهِ!
 (٢) كُلٌّ يَوْمٌ هُوَ فِي شَأْنٍ!
 (٣) كُلٌّ أَمْرٌ عَلَيْهِ أَنْ يَنَادِيَ رَبَّهُ!
 (٤) كُلُّ الزَّمَلَاءِ أَقَلُّ مِنِّي دَرَجَةً!
- ٥٨- **عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنْ أَعْمَالِ الْقُلُوبِ:**
 (١) هَبِ الْحِرَاسَ نَائِمِينَ، مَاذَا يَجِبُ أَنْ نَفْعَلَ!
 (٢) مَنْ اتَّخَذَكَ خَلًا وَفِيًّا فَارَعَ نَمَامَ مَوَدَّتِهِ!
 (٣) قَلِيلًا مَا أَسَافِرُ مَعَهُ لِأَنَّيَ أَخَالَهُ غَيْرَ رَاغِبٍ إِلَى ذَلِكَ!
 (٤) وَاجْهَتْ مُسْأَلَةً صَعْبَةً وَ بَعْدَ التَّدْقِيقِ عَلِمْتُ حَلَّهَا!
- ٥٩- **عَيْنُ الْمَشْغُولِ عَنْهُ مَرْفُوعًا وَجُوبًا:**
 (١) هَلِ الدَّرْسُ قَرَأْتَهُ قَبْلَ تَعْلِيمِ الْأَسْتَاذِ؟
 (٢) لَوْلَا الرِّسَالَةُ لَا تَبْدُوهَا، كَيْ تَنْتَهِي مِنْهَا بِسُرْعَةٍ؟
 (٣) دَخَلْتُ الْبَيْتَ إِذَا الْعِشَاءُ قَدْ هَيَّأَتْهُ أُمِّي!
 (٤) لَوْلَا الْبَيْتُ نَظَّفْتَهُ كُلَّ أُسْبُوعٍ لَخَفَّتْ أَعْمَالُكَ قَبْلَ الْعِيدِ!
- ٦٠- **عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّعْرِيبِ (على حسب تطبيق القواعد):**
 (١) زَنْدَگِي نِيكُو نِيست تا زَمَانِيكِه از مَشْكَلاتِ أَنْ شَكَايَتِ كُنِي: لَيْسَتْ الْحَيَاةُ طَيِّبَةً مَا دَمَتْ تَشْكُو مَشْكَلاتِهَا!
 (٢) هِرَآنِجِه دَرِ ابْتِدَائِ رُوزِ بِهْ أَنْ بِيَنْدِيشِي بَرَايَتِ اتِّفَاقِ خَوَاهِدِ افْتَادِ! مَا تَفَكَّرُ بِهْ بِدَايَةِ النَّهَارِ يَحْدُثُ لَكَ!
 (٣) پِنْدِهَا چِه زِيَادِ اسْتِ وَ عِبْرَتِ گِرْفْتَنِ چِه اَنْدَك: مَا أَكْثَرَتْ الْعِبْرُ وَ أَقَلَّ الْإِعْتِبَارُ!
 (٤) هِيچِ چِيزِي نِيست مِگَرِ أَنْكِه عِلْمُ أَنْ نَزْدَ خُدا بَاشَد: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَ اللَّهِ عِلْمُهُ!

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the answer on your answer sheet.

- 61- In ----- to the passion and visionary boldness of Pindar's odes, Horation odes are calm, meditative, and restrain.
1) regard 2) relation 3) concern 4) contrast
- 62- During the Crimean War, Tolstoy wrote war stories, which ----- his literary reputation.
1) devoted 2) inserted 3) described 4) established
- 63- In ----- of Nezami's vast knowledge and brilliant mind, the honorific title of hakim, was bestowed upon him.
1) concept 2) reserve 3) recognition 4) reflection
- 64- Saadi's work ----- a mastery of traditional Islamic education and a general intellectual sophistication that could well been gained in an institution such as the Baghdad Nizamiyya.
1) adores 2) explores 3) reveals 4) pretends
- 65- The essay discusses its subject in nontechnical fashion, and often with a liberal use of such ----- as anecdote, striking illustration and humor to augment its appeal.
1) ideas 2) devices 3) genres 4) means
- 66- The major criteria for evaluating literature have not been specific to one genre, but ----- to all kinds of works.
1) applicable 2) accomplished 3) impressive 4) restricted
- 67- Haft Peykar is a bedazzling exploration of the pleasures of love. At the same time, it can be ----- as a mystical.
1) prepared 2) developed 3) protected 4) interpreted
- 68- Muhammad Shirazi, persian lyric poet and panegyrist, commonly considered the pre-eminent ----- of the ghazal form.
1) master 2) supporter 3) apprentice 4) instructor
- 69- The doctrin of decorum required the level of style in a work be ----- to the speaker, the occasion, and the dignity of its literary genre.
1) appropriate 2) concurrent 3) persuasive 4) extraordinary
- 70- In the 19th century the ----- of new types of magazines gave great impetus to the writing of essays, and made them a major department of literature.
1) recovery 2) founding 3) erudition 4) eminence

PART B: Cloze Test

Directions: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Many neoclassic critics thought of the form of a work as a combination of component parts, put together according to the (71) ----- of decorum, or mutual fittingness. Coleridge and other Romantic organicists (72) ----- between mechanic form, which is a preexistent shape such as we impose on wet clay by a mold, and organic form, which, as Coleridge says, "is innate; it (73) ----- as it develops itself from within, and the fullness of its development is one and the same with the (74) ----- of its outward form." To Coleridge, in other words, a good poem is like a growing plant which evolves, by an internal energy, (75) ----- the organic unity which constitutes its achieved form.

- | | | | | |
|-----|----------------|----------------|------------------|----------------|
| 71- | 1) thesis | 2) principle | 3) appeal | 4) magnitude |
| 72- | 1) displaced | 2) researched | 3) distinguished | 4) constituted |
| 73- | 1) shapes | 2) grasps | 3) recurs | 4) assumes |
| 74- | 1) inclination | 2) interaction | 3) perfection | 4) aspiration |
| 75- | 1) at | 2) of | 3) on | 4) into |

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following passages and answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark the correct choice on your answer sheet.

Passage 1:

The short story, is a story that is short; that is, it differs from the novel in the dimension which Aristotle calls "magnitude," and this limitation imposes differences both in the effects that can be achieved and in the choice and management of the elements to achieve those effects. Edgar Allan Poe, who is sometimes called the originator of the short story as a specific genre, was at any rate its first critical theorist. He defined what he called "the prose tale" as a narrative that can be read at one sitting of form one-half hour to two hours, and that is limited to "a certain unique or single effect," to which every detail is subordinate. Poe's comment applies to many short stories, and it points to the economy of management which tightness of the form always imposes in some degree. We can say that, by and large, the short story writer introduces a very limited number of characters, cannot afford the space for a leisurely analysis and sustained development of character, and cannot undertake to develop as dense and detailed a social milieu as does the novelist. He often begins his story close to, or even on the verge of, the climax, minimizes both prior exposition and the details of the setting, keeps the complications down, and clears up the denouement quickly-sometimes in a few sentences. The central incident is selected to reveal as much as possible of the totality of the protagonist's life and character, and the details are devised to carry maximum significance. This sparseness in the narrative means often gives the artistry in a good short story higher visibility than the artistry in an equally good novel.

Many distinguished short stories, however, depart from this paradigm in various ways. It must be remembered that the name covers a great diversity of prose fiction, all the way from the short short story, which is a slightly elaborated anecdote of perhaps 500 words, to such long and complex forms as Conrad's Heart of Darkness, whose status between the tautness of the short story and the expansiveness of the novel is sometimes indicated by the name novelette.

- 76- **The difference between the short story and novel, according to the passage, is in -----.**
 1) origin 2) narration 3) dimension 4) point of view
- 77- **"The prose tale" in line 5 refers to -----.**
 1) a narrative 2) the short story 3) the prose writing 4) the critical theory
- 78- **The effective and high point of the short story usually comes -----.**
 1) close to its beginning
 2) near the end of it
 3) after a lot of incidents happening for the protagonist
 4) after its prior exposition and elaborated details of the setting
- 79- **It's mentioned in the passage that the short stories -----.**
 1) are more artistic than novels in plot and the subject
 2) have limitation in characters and this diminishes their effects
 3) have space for developing a social environment densely
 4) are not complicated and the ends of the stories reveal in a few sentences
- 80- **Which sentence is NOT true?**
 1) Heart of Darkness is longer than a short story.
 2) Short story covers a great diversity of prose fiction.
 3) Economy of management in the short story leads to its simplicity.
 4) Edgar Allan Poe was the first critical theorist of the short story.

Passage 2:

Eliot helped shape changing literary tastes as much by his essays and literary criticism as by his poetry. Influenced himself by T.E. Hulme's proposal that the time had come for a classical literature of "hard, dry wit" after Romantic vagueness and religiosity and, following Imagism's goal of clear, precise physical images phrased in everyday language, he outlined his own definitions of literature and literary history and contributed to a theoretical approach later known as the New Criticism. Eliot's "impersonal theory of poetry" emphasizes the medium in which a writer works, rather than his or her inner state; craft and control rather than the Romantic ideal of "a spontaneous overflow" of private emotion. Poetry can and should express the whole being-intellectual and emotional, conscious and unconscious. In a review of Herbert Grierson's edition of the seventeenth-century Metaphysical poets (1921), Eliot praised the complex mixture of intellect and passion that characterized John Donne and to other Metaphysicals and criticized the tendency of English literature after the century to separate the language of analysis from that of feeling. His criticism of this "dissociation of sensibility" implied a change in literary tastes: from Milton to Donne, from Tennyson to Gerard Manley Hopkins, from Romanticism to classicism, from simplicity to complexity.

The great poetic example of this change came with *The Waste Land* in 1922. Eliot dedicated the poem to Ezra Pound, who had helped him revise the first draft, with a quotation from Dante praising the “better craftsmen”. *The Waste Land* describes modern society in a time of cultural and spiritual crisis and sets off the fragmentation of modern experience against references to a more stable cultural heritage. The most influential technical innovation in *The Waste Land* was the deliberate use of fragmentation and discontinuity. Eliot pointedly refused to supply any transitional passages or narrative thread and expected the reader to construct a pattern whose implications would make sense as a whole. This was a direct attack on linear habits of reading, which are here broken up with sudden introductions of different scenes or unexplained literary references, shifts in perspective, interpolation of a foreign language changes from elegant description to barroom gossip, from Elizabethan to modern scene, form formal to colloquial language.

81- It's mentioned in the passage that Eliot believes that the poetry is -----.

- 1) just the poet's inner state
- 2) unable to express the whole being intellectual and conscious
- 3) a criticism against the society in the time of crisis
- 4) not a spontaneous overflow of private emotion

82- According to the passage, Ezra Pound -----.

- 1) helped Eliot to revise the first draft of *The Waste Land*
- 2) wrote a quotation from Dante for Eliot's poems
- 3) influenced Eliot to write *The Waste Land*
- 4) praised Eliot as a better craftsman in his poems

83- The characteristic of 17th century Metaphysical poets was -----.

- 1) a noticeable change in literary tastes
- 2) like the Romantic ideal in writing poems
- 3) the tendency to separate the language of analysis from the feeling
- 4) the use of a mixture of intellect and passion in their poems

84- Eliot believed that -----.

- 1) the writer must supply all details in his or her work
- 2) the writer shouldn't use the fragmentation and discontinuity
- 3) the readers should follow a linear habit of reading
- 4) readers should construct a pattern by using the implications in the story

85- According to the passage, which sentence is NOT true?

- 1) In *The Waste Land*, Eliot used a technical innovation.
- 2) Eliot was influenced by the character of T.E.Hulme.
- 3) Eliot influenced on literature by both his essays and poems.
- 4) Eliot helped shaping a theoretical approach known as New Criticism.

Passage 3:

Imagery is one of the most common in modern criticism, and one of the most ambiguous. Its applications range all the way from the “mental pictures” which, it is claimed, are experiences by the reader of the poem, to the totality of the elements which make up a poem. An example of this latter usage is C. Day Lewis’ statement, in his Poetic Image (1948), that an image “is a picture made out of words,” and that “a poem may itself be an image composed from a multiplicity of images.” Three uses of the word, however, are especially frequent:

1. “Imagery” is used to signify all the objects and qualities of sense perception referred to in a poem or other work of literature, whether by literal description, by allusion, or in the analogues used in its similes and metaphors. In Wordsworth’s “she Dwelt among the Untrodden Ways,” the imagery in this broad sense includes the literal objects the poem refers to (“ways,” “maid,” “grave”), as well as the “violet” and “stone” of the metaphor and the “star” and “sky” of the simile in the second stanza. The term “image” should not be taken to imply a visual reproduction of the object referred to; some readers of the passage experience visual images and some do not; and among those who do, the explicitness and detail of the mind-pictures vary greatly. Also, imagery includes auditory, tactile (touch), olfactory (smell), gustatory (taste), or kinesthetic (sensations of movement), as well as visual qualities. In his In Memoriam, number 101, for example, Tennyson’s references are to qualities of smell and hearing, as well as sight.

2. Imagery is used, more narrowly, to signify only descriptions of visible objects and scenes, especially if the description is vivid and particularized, as in Coleridge’s “Ancient Mariner”:

3. Most commonly, imagery is used to signify figurative language, especially the vehicles of metaphors and similes. Recent criticism, and especially the new criticism, has gone far beyond older criticism in stressing imagery, in this sense, as the essential component in poetry, and as a major clue to poetic meaning, structure, and effect.

86- According to the passage, the experiences by the readers of the poem refer to -----.

- 1) imagery
2) poetic image
3) the mental pictures
4) the pictures that make up a poem

87- “This latter” in paragraph 1 line 4 refers to -----.

- 1) the mental pictures
2) the applications of the imagery
3) the totality of the elements which make up a poem
4) an image that is a picture made out of words

88- “Star” and “sky” in “she Dwelt among the Untrodden Ways” are -----.

- 1) images
2) similes
3) objects
4) metaphors

89- It’s mentioned in paragraph 2 that -----.

- 1) all readers of the passage experience visual images
2) image doesn’t imply a visual reproduction of the object which is referred to
3) the explicitness and detail of the mind-pictures are the same for all readers
4) In imagery, the visual qualities are more significant than the others

90- According to the passage, recent criticism -----.

- 1) stresses more on imagery
2) pays lower attention on imagery
3) considers imagery not as a major part in poetry
4) uses metaphor and simile more than imagery